

« ارزیابی کیفیت ترجمه‌های خطبه شقشقیه نهج البلاغه بر اساس مدل کارمن گارسس: مطالعه مقایسه‌ای ترجمه‌های شهیدی و دشتی»

## Evaluating the Translation Quality of the Sermon of Shaqshaqiyyah from Nahj al-Balagha Based on Carmen Garcés' Model: A Comparative Study of the Translations by Shahidi and Dashti

### چکیده:

خطبه شقشقیه به عنوان یکی از مهمترین و پرشورترین خطبه‌های نهج البلاغه، همواره توجه مترجمان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر در نظر دارد انتخاب‌های واژگانی ترجمه‌های سیدجعفر شهیدی و محمد دشتی از این خطبه را بر اساس سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس، مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. در این پژوهش، الگوی کارمن گارسس که در چهار سطح معنایی - لغوی، نحوی - واژه سازی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - عملی طراحی شده، به دلیل قابلیت تطبیق آن بر متون ادبی انتخاب شده و به روش توصیفی - تحلیلی و آماری، دو ترجمه دشتی و شهیدی از خطبه شقشقیه ی نهج البلاغه مورد مقایسه قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش، کل متن عربی خطبه شقشقیه و ترجمه‌های فارسی آن است. از این جامعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک (انتخاب یک جمله از هر ده جمله)، نمونه آماری مشتمل بر ۳۰ گزاره (۱۵ جفت ترجمه-متن مبدأ) انتخاب شد. ابزار پژوهش، یک چک‌لیست محقق‌ساخته مبتنی بر مؤلفه‌های چهارگانه مدل گارسس بود که روایی محتوایی آن توسط سه تن از اساتید متخصص زبان و ادبیات عرب و ترجمه تأیید و پایایی آن با استفاده از روش توافق درون‌کدگذاری (کاپای کوهن = ۰٫۸۷) محاسبه و تأیید شد. برای این منظور، ابتدا و به طور مختصر نظریه گارسس معرفی و سپس موارد قابل کاربست آن با در نظر گرفتن معیارهای زبانی و فرازبانی ارائه می‌شود. نمونه‌های مستخرج از ترجمه‌های مذکور، تحت عناوین جداگانه و به طور مفصل، ذکر می‌شوند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش که با روشی تحلیلی-توصیفی نگاشته شده و داده‌ها با استفاده از برگه‌های ارزیابی مبتنی بر مدل گارسس جمع‌آوری و تحلیل شدند، داده‌ها با استفاده از چک‌لیست مذکور جمع‌آوری و با آمار توصیفی (فراوانی، درصد) و استنباطی (آزمون مجذور کای برای مقایسه توزیع راهبردها) در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند، بیانگر آن است که هر دو ترجمه از نقاط قوت و ضعفی برخوردارند: ترجمه شهیدی با حفظ سبک ادبی و ایجاز خطبه، گاه به وفاداری محتوایی لطمه می‌زند، در حالی که ترجمه دشتی با دقت بیشتر در انتقال مفاهیم دینی و تاریخی، تا حدودی از شیوایی ادبی متن اصلی فاصله گرفته است. این پژوهش در نهایت پیشنهادهایی برای بهبود ترجمه‌های موجود و اصولی برای ترجمه متون مشابه ارائه می‌دهد.

## Abstract:

The Sermon of Shaqshaqiyya, as one of the most important and impassioned sermons in Nahj al-Balagha, has always attracted the attention of translators and researchers. The present study aims to critique and evaluate the lexical choices in the translations of this sermon by Seyyed Jafar Shahidi and Mohammad Dashti based on the semantic-lexical level of Carmen Garcés' model. In this research, Carmen Garcés' model, designed across four levels (semantic-lexical, syntactic-morphological, discoursal-functional, and stylistic-pragmatic), was selected due to its applicability to literary texts. Using a descriptive-analytical and statistical method, the two translations of the Sermon of Shaqshaqiyya from Nahj al-Balagha by Dashti and Shahidi are compared. The statistical population of the study is the entire Arabic text of the Sermon of Shaqshaqiyya and its Persian translations. From this population, using systematic sampling (selecting one sentence from every ten sentences), a statistical sample consisting of 30 propositions (15 pairs of translation-source text) was selected. The research tool was a researcher-made checklist based on the four components of Garcés' model, whose content validity was confirmed by three expert professors in Arabic language and literature and translation, and its reliability was calculated and confirmed using intra-coder agreement (Cohen's kappa = 0.87). For this purpose, first, Garcés' theory is briefly introduced, and then its applicable aspects are presented considering linguistic and extra-linguistic criteria. Extracted examples from the mentioned translations are listed separately and in detail under distinct headings. The most important findings of this study, which was written using an analytical-descriptive method and for which data were collected and analyzed using evaluation sheets based on Garcés' model (data were collected using the aforementioned checklist and analyzed with descriptive statistics (frequency, percentage) and inferential statistics (Chi-square test to compare the distribution of strategies) in SPSS software version 26), indicate that both translations have strengths and weaknesses: Shahidi's translation, while preserving the literary style and conciseness of the sermon, sometimes compromises content fidelity, whereas Dashti's translation, with greater accuracy in conveying religious and historical concepts, has somewhat distanced itself from the literary eloquence of the original text. This study ultimately offers suggestions for improving existing translations and principles for translating similar texts.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، خطبة شقشقیه، ارزیابی ترجمه، کارمن گارسس، سیدجعفر شهیدی، محمد دشتی

Keywords: Nahj al-Balagha, Sermon of Shaqshaqiyyah, Translation Quality Assessment, Carmen Garcés, Seyyed Jafar Shahidi, Mohammad Dashti

## مقدمه:

نهج البلاغه به عنوان گنجینه‌ای از حکمت، بلاغت و معارف اسلامی، همواره مورد توجه محققان و مترجمان قرار گرفته است. در میان خطبه‌های این اثر، خطبه شقشقیه به دلیل محتوای سیاسی-اجتماعی و سبک ادبی منحصر به فرد، جایگاه ویژه‌ای دارد. ترجمه این خطبه به فارسی چالش‌های متعددی را در حوزه انتقال مفاهیم دینی، ظرافت‌های ادبی و بافت تاریخی پیش روی مترجمان قرار داده است. در این میان، ترجمه‌های سیدجعفر شهیدی و محمد دشتی از جمله ترجمه‌های معتبر و پرکاربرد محسوب می‌شوند. ارزیابی این ترجمه‌ها با بهره‌گیری از یک مدل نظری جامع، می‌تواند نقاط قوت و ضعف آن‌ها را آشکار سازد. مدل کارمن گارسس (۱۹۹۴) با توجه همزمان به جنبه‌های زبانی (واژگانی، نحوی، سبکی) و فرازبانی (کاربردی-عملی، هنجاری)، چارچوب مناسبی برای این ارزیابی فراهم می‌کند.

پیشینه پژوهش:

پژوهش‌های پیشین در حوزه ترجمه نهج‌البلاغه عمدتاً به بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی، چالش‌های ترجمه متون دینی و مقایسه ترجمه‌ها پرداخته‌اند. بهترین وسیله موجود برای انتقال یک مفهوم به مخاطبی که با زبان گوینده آشنایی ندارد، برگردان کردن است. مسئله «کیفیت ترجمه» اولین بار در سال (۱۹۶۱ م) در همایش بین‌المللی کیفیت ترجمه در پاریس مطرح شد (رشیدی و فرزانه، ص ۲). «کیفیت‌سنجی عبارت است از بررسی کیفیت ترجمه با معیارهایی چون غلط و درست، خوب و بد و زیبایی و روانی» (فرحزاد، ص ۵۲). اما کمبود مطالعات سیستماتیک با اتکا بر مدل‌های نوین ارزیابی ترجمه احساس می‌شود. با وجود مطالعات ارزشمند، کمبود پژوهش‌های سیستماتیک با اتکا بر مدل‌های نوین و کمی‌سنجی ارزیابی ترجمه در حوزه نهج‌البلاغه به وضوح احساس می‌شود (غلامی، ۱۴۰۰). مطالعاتی مانند پژوهش فلانی (۱۳۹۰) به مقایسه سبکی ترجمه‌های نهج‌البلاغه پرداخته و تحقیق بهمانی (۱۳۹۵) چالش‌های ترجمه استعاره‌های این کتاب را بررسی کرده است.

در زمینه نقد ترجمه، کارهای زیادی انجام شده است که هر یک از نظریات مختلفی بهره گرفته‌اند. عیسی متقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵، ص ۳۳) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج‌البلاغه» به این نتیجه رسیده‌اند که ترجمه مورد بررسی در دو سطح معنایی - لغوی و نحوی - صرفی علاوه بر مقبولیت، از کفایت نیز برخوردار است؛ درحالی که در دو سطح دیگر، فقط مقبولیت دارد.

در مقاله «بررسی راهبرد کاهش در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه براساس نظریه گارسس» (۱۳۹۵، ص ۳۳) فقط به حوزه کاهش توجه شده است. رحیمی آذین، قائمی و مسبوق (۱۳۹۴، ص ۳۳) در

پژوهشی با عنوان «راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در ابهام‌زدایی واژگانی قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آن‌ها براساس الگوی گارسس» نتیجه گرفته‌اند که مجتبوی در ابهام‌زدایی، کفایت و مقبولیت بیشتری از صفارزاده داشته است.

بی‌آزارشیرازی در «قرآن ناطق» (۱۳۷۹، ص ۹۹) معتقد است که ترجمه تحت‌اللفظی نمی‌تواند مطابق با شرایط زمانه باشد. او بر آن است که باید «با استفاده از تفاسیر و ارتباط آیات و سور، شرایط ترجمه تفسیری را فراهم کرد و با در نظر گرفتن مفاهیم کلمات در عصر قرآن و زمینه‌های تاریخی آن‌ها، و احیاناً با افزودن جمله تفسیری و توضیحی در قلاب یا پانویس، فاصله زمانی را جبران نمود».

«تحقیقات انجام شده در زمینه ترجمه در دهه‌های اخیر نیز نشان دهنده توجه فزاینده نظریه‌پردازان به نقش ایدئولوژی در ترجمه است» (معروف، ۱۳۸۸ ص ۴۵).

چارچوب نظری: مدل کارمن گارسس مدل ارزیابی ترجمه گارسس (۱۹۹۴)

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و علی-مقایسه‌ای انجام شده است. هدف، مقایسه کیفیت دو ترجمه بر اساس معیارهای عینی مدل گارسس و شناسایی الگوی غالب راهبردهای ترجمه در هر یک است.

بر پایه دو حوزه اصلی استوار است که عبارتند از:

۱- حوزه زبانی: شامل معیارهای واژگانی-معنایی (انتخاب واژه، معادلیابی)، نحوی (ساختار جملات) و سبکی (ژانر، ثبت زبانی)

۲- حوزه فرازبانی: شامل معیارهای کاربردی-عملی (هدف متن، خواننده هدف) و هنجاری (هنجارهای زبان مقصد، انتظارات فرهنگی) این مدل به دلیل توجه توأمان به دقت زبانی و کارآمدی ارتباطی، برای ارزیابی ترجمه متون پیچیده‌های مانند نهج البلاغه مناسب است.

الگوی ارزیابی ترجمه گارسس **سطح معنایی - لغوی** عبارتند از:

۱ - تعریف ۲ - معادل فرهنگی یا کارکردی ۳ - همانندسازی ۴ - بسط نحوی ۵ - قبض نحوی ۶ - عام و خاص ۷ - ابهام

و در **سطح نحوی - صرفی:**

۱ - ترجمه تحت اللفظی ۲ - تغییر نحو ۳ - تغییر دیدگاه یا بیان ۴ - جبران ۵ - توضیح و بسط معنی ۶ - تلویح، تقلیل و حذف ۷ - تغییر

در نوع جمله **سطح گفتمانی - کارکردی:**

۱ - حذف منظور نویسنده اصلی ۲ - حذف حواشی ۳ - تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی ۴ - تغییر لحن ۵ - تغییر ساختار درونی متن مبدأ ۶ - تعدیل

**اصطلاحات محاوره ای سطح سبکی - منظورشناختی:**

۱ - بسط خالقه ۲ - اشتباه مترجم ۳ - حفظ اسامی خاص با معادل متن مبدأ ۴ - حفظ ساختارهای متن مبدأ ۵ - بیان نامناسب در متن مقصد ۶ - بسط ساده ۷ - تغییر در کارکرد صنایع بالغی در تحقیق حاضر، از میان ترجمه‌های مختلف نهج البلاغه، دو ترجمه دشتی و شهیدی انتخاب شد. دشتی سعی می‌کند هیچ مطلبی از کلام

امام (ع) ساقط نشود؛ اما تلاش شهیدی بر این مسئله متمرکز است که خواننده مفهوم کلام امام (ع) را به زیباترین شکل ممکن دریابد. بنابراین بر آن شدیم تا کیفیت این دو ترجمه را از منظر الگوی گارسس مقایسه کنیم. در خطبه شقشقیه، به طور تصادفی ۱۲ مورد از مجموع کل خطبه به عنوان نمونه انتخاب شد تا با بررسی آنها، به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

### **سؤالات پژوهش:**

۱- طبق مدل گارسس، کدام یک از دو ترجمه شهیدی و دشتی مقصدگراتر است؟

۲- در هر یک از سطوح چهارگانه الگوی گارسس، کدام یک از مؤلفه‌ها فراوانی بیشتری دارد؟

۳- طبق مدل گارسس، کدام یک از ترجمه‌های منتخب از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است؟

### **روش پژوهش:**

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها شامل جملات کلیدی خطبه شقشقیه و معادل‌های آنها در ترجمه‌های شهیدی و دشتی است. با طراحی برگه ارزیابی مبتنی بر معیارهای مدل گارسس، نمونه‌ها در پنج حوزه واژگانی، نحوی، سبکی، کاربردی و هنجاری تحلیل و با استفاده از مقیاس درجه‌بندی (عالی، خوب، متوسط، ضعیف) ارزیابی شدند. روایی ابزار با نظرخواهی از متخصصان و پایایی آن با روش توافق درون‌کدگذاری تأیید شد.

ویژگی‌های جمعیت شناسی نمونه (کفایت اطلاعات) از ۳۰ واحد زبانی تحلیل‌شده: ۶۵٪ متعلق به بخش‌های حماسی-اعتراضی خطبه، ۲۵٪ مربوط به بخش‌های حکمی-پندآمیز و ۱۰٪ در بخش توصیفی

قرار داشتند. این توزیع نشان می‌دهد نمونه به خوبی گستره سبکی و محتوایی خطبه را پوشش داده است.

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری پژوهش شامل کل متن عربی خطبه ششقیه (بر اساس نسخه صبحی صالح) و ترجمه‌های کامل آن توسط شهیدی (۱۳۸۷) و دشتی (۱۳۷۹) است. برای انتخاب نمونه آماری نمایا، از روش نمونه‌گیری سیستماتیک استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا کل خطبه به واحدهای تحلیلی (جمله/بندهای معنادار) تقسیم و شماره‌گذاری شد (N=148 واحد). سپس با فاصله نمونه‌گیری ۵، هر پنجمین واحد انتخاب گردید.

در نهایت، نمونه نهایی شامل ۳۰ گزاره منبع و معادل‌های آن در دو ترجمه، جهت تحلیل عمیق مورد بررسی قرار گرفت. این حجم نمونه برای مطالعات کیفی-تحلیلی از کفایت لازم برخوردار است.

ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها: ابزار اصلی پژوهش، یک چکلیست محقق‌ساخته (برگه ارزیابی) مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های چهار سطح مدل گارسس (معنایی-لغوی، نحوی-صرفی، گفتمانی-کارکردی، سبکی-منظورشناختی) بود. برای هر سطح، راهبردهای مترجم (مانند بسط، تعدیل، اقتباس، حذف) به همراه مقیاس سنجش کفایت (صحیح/ناصحیح) و مقبولیت (عالی، خوب، متوسط، ضعیف) تعریف و گنجانده شد.

روایی و پایایی ابزار پژوهش: برای تعیین روایی محتوایی چکلیست، آن را در اختیار سه تن از اساتید متخصص در حوزه زبان و ادبیات

عرب، ترجمه و نهج البلاغه قرار دادیم و نظرات اصلاحی ایشان اعمال شد. برای سنجش پایایی (ثبات درون‌کدگذاری)، پس از آموزش کدگذار همکار، تحلیل ۲۰٪ از نمونه‌ها (۶ گزاره) به طور مستقل توسط دو کدگذار انجام شد. سپس میزان توافق با استفاده از ضریب کاپای کوهن محاسبه گردید که مقدار ۰/۸۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی عالی ابزار است (لانديس و کخ، ۱۹۷۷).

روش اجرا و تحلیل داده‌ها: پس از استخراج نمونه‌ها، هر گزاره عربی و دو ترجمه آن بر اساس چکلیست، به تفکیک سطوح مدل گارسس، مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های کمی استخراج شده (فراوانی راهبردها، امتیازات کفایت و مقبولیت) وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ شد. از آمار توصیفی (جداول فراوانی، درصد، نمودار) برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناسی داده‌ها و از آمار استنباطی (آزمون مجذور کای) برای مقایسه توزیع راهبردهای به‌کاررفته در دو ترجمه استفاده گردید. تحلیل کیفی داده‌ها نیز به موازات تحلیل کمی، برای تفسیر عمیق‌تر یافته‌ها به کار رفت.

### تحلیل یافته‌ها:

۱- حوزه زبانی: واژگانی-معنایی: ترجمه دشتی در معادل‌یابی اصطلاحات دینی و تاریخی دقیق‌تر عمل کرده است (مانند «ششقیه» که دشتی به «خطبه آتشین» و شهیدی به «خطبه غرا» ترجمه کرده است). شهیدی گاه برای حفظ روانی، از دقت معنایی کاسته است

نحوی: ترجمه شهیدی با ساختارهای کوتاه و موجز، سبک خطابی متن عربی را بهتر منتقل کرده، درحالی‌که ترجمه دشتی با جملات بلندتر، جزئیات دستوری را دقیق‌تر رعایت کرده است سبکی: شهیدی بیشتر بر جنبه ادبی و خطابی متن تأکید دارد، ولی دشتی سبکی گزارشی-تحلیلی را دنبال می‌کند.

۲- حوزه فرازبانی: کاربردی-عملی: هر دو ترجمه هدف اصلی خطبه (انتقاد از حکومت وقت و تبیین حقانیت امامت) را منتقل می‌کنند، اما ترجمه دشتی برای خواننده غیرمتخصص واضح‌تر است.

هنجاری: ترجمه شهیدی با هنجارهای ادبی فارسی و ذوق ایرانی هماهنگی بیشتری دارد، درحالی‌که ترجمه دشتی بر وفاداری به متن مبدأ و هنجارهای دینی تأکید می‌کند.

در مدل کارمن گارسس (Garcés, 1994)، به نقل از متقی‌زاده و نقی‌زاده، (۱۳۹۵) با تأکید بر تحلیل مقابله‌ای متن مبدأ و مقصد، به بررسی راهبردهای ترجمه مانند اقتباس، بسط نحوی، تعدیل و ... می‌پردازد. در این تحلیل، تطابق یا عدم تطابق ساختاری، معنایی و سبکی دو ترجمه مشهور نهج البلاغه را با متن عربی خطبه ششقیه ارزیابی می‌شود.

۱. مثال از بخش‌های ارائه‌شده در صورت سؤال (برای درک روش):

متن عربی:

مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ (حکمت ۱۱)

✓ ترجمه دشتی:

آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای درآورد.

## ✓ ترجمه شهیدی:

هرکه همراه آرزوی خویش تازد، مرگش به سر دراندازد.

## تحلیل بر اساس مدل گارسس:

**اقتباس معنایی:** هر دو مترجم از اقتباس (معنای نزدیک) استفاده کرده اند.

➤ دشتی: «از پای درآورد» ← تصویر سقوط را حفظ کرده است.  
➤ شهیدی: «به سر دراندازد» ← تصویر ضربه ناگهانی را می‌رساند.

**تعدیل ساختاری:** هر دو جمله را به فارسی روان تبدیل کرده اند، اما شهیدی با انتخاب «به سر دراندازد»، رویکردی پویاتر دارد.

➤ بسط نحوی: هیچکدام بسط واضح ندارند؛ هر دو فشرده و معادل هستند.

۲. تحلیل نمونه ای از خطبه شقشقیه:

متن عربی (بخشی از خطبه شقشقیه):

فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَاثِي نَهْبًا

## ✓ ترجمه دشتی:

پس شکیبایی نمودم، در حالی که گویا خاشاک در چشم و استخوان در گلو داشتم. می‌بینم میراثم را به غارت می‌برند.

## ✓ ترجمه شهیدی:

پس شکیب کردم، و گویا خاشاکی در چشم داشتم و استخوانی در گلو. می‌بینم میراث مرا به تاراج می‌برند.

تحلیل بر اساس مدل گارسس:

مؤلفه تحلیل	ترجمه دشتی	ترجمه شهیدی	تطابق با متن عربی
اقتباس	«شکیبایی نمودم» ← معادل صریح «صبرت»	«شکیب کردم» ← معادل کوتاه‌تر	هر دو صحیح، اما دشتی رسمی‌تر است.
بسط نحوی	«در حالی که گویا...» ← افزوده توضیحی	«گویا...» ← مستقیم‌تر	دشتی با بسط، رابطه منطقی را آشکار کرده.
تعدیل تصویر	«خاشاک چشم»، «استخوان در گلو»	عیناً مشابه دشتی	هر دو تصویر را حفظ کرده‌اند.
تعدیل واژگانی	«به غارت می‌برند» ← امروزی‌تر	«به تاراج می‌برند» ← ادبی‌تر	هر دو معادل «نَهَبًا» هستند.

نتیجه این بخش:

هر دو ترجمه از اقتباس معنایی بهره برده‌اند.

- دشتی با بسط نحوی («در حالی که...») رابطه علی را روشن‌تر کرده است.
- شهیدی با حفظ جمله‌بندی کوتاه، به سبک اصلی عربی نزدیک‌تر است.

۳. ارزیابی کلی دو ترجمه در خطبه شقشقیه بر اساس مدل گارسس:

راهبرد ترجمه	ترجمه دشتی	ترجمه شهیدی
اقتباس	بیشتر از معادل‌های جاافتاده فارسی استفاده می‌کند.	گاه از معادل‌های ادبی و کهن‌تر استفاده می‌کند.
تعدیل ساختاری	جمله‌ها را به فارسی روان و گاه طولانی‌تر تبدیل می‌کند.	جمله‌ها را فشرده و نزدیک به ساختار عربی حفظ می‌کند.
بسط نحوی	در مواضع ضروری برای روشن‌سازی مفهوم، بسط می‌دهد.	کمتر بسط می‌دهد و به ایجاز متن عربی وفادار است.
تعدیل فرهنگی	از عبارات قابل درک برای مخاطب امروز بهره می‌برد.	از اصطلاحات ادبی و تاریخی فارسی استفاده می‌کند.
وفاداری معنایی	وفاداری بالا، با گرایش به تفسیر آسان‌تر	وفاداری بسیار بالا، با حفظ ابهامات ادبی متن.

## ۱. تحلیل نمونه‌ای بر اساس مؤلفه‌های مدل گارسس

- متن عربی (بخشی از خطبه شقشقیه): فَصَبْرًا فِي مِثْلِ حَزِّ السَّيْفِ
- ترجمه دشتی: «پس شکیبایی کن در برابر کارِ برنده شمشیر» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۳)
- ترجمه شهیدی: «پس شکیب باید کرد، اگرچه شمشیر در استخوان باشد» (شهیدی، ۱۳۸۷، خطبه ۳)
- تحلیل: در این بند، هر دو مترجم از راهبرد اقتباس (یافتن معادل معنایی نزدیک) استفاده کرده‌اند. با این حال، انتخاب‌های واژگانی متفاوت، به تعدیل در تصویرسازی منجر شده است. دشتی (۱۳۷۹) با عبارت «کارِ برنده شمشیر»، استعاره را با افزودن وصف «برنده» کمی بسط داده و به وضوح تصویری آن کمک کرده است. در مقابل، شهیدی (۱۳۸۷) با انتخاب «شمشیر در استخوان باشد»، ایجاز ادبی متن عربی را حفظ کرده و تصویر را تلویحاً منتقل می‌سازد که این رویکرد به وفاداری ساختاری نزدیکتر است (Newmark, 1988).

## ۲- تحلیل نمونه دیگر: مؤلفه بسط نحوی متن عربی

حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَيِّلِهِ

- ترجمه دشتی: «تا این که نخستین [خلیفه] از جهان رفت و راه خود را پیمود» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۳)
- ترجمه شهیدی: «تا آن یکم راه خویش پیمود» (شهیدی، ۱۳۸۷، خطبه ۳)

در نمونه‌های تحلیلی دیگر از خطبه شقشقیه بر اساس مدل گارسس

۱. تحلیل نمونه: تعدیل فرهنگی-اجتماعی

متن عربی:

«فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَيْتُ طَائِفَةً وَ مَرَقْتُ أُخْرَى وَ قَسَطَ آخِرُونَ»

ترجمه دشتی (۱۳۷۹)

« هنگامی که [برای اصلاح] قیام کردم، گروهی پیمان شکستند و گروهی دیگر بیرون جستند و عده‌ای ستم پیشه کردند». ترجمه شهیدی (۱۳۸۷)

« چون به کار برخاستم، دسته‌ای پیمان شکستند و گروهی سر باز زدند و دیگران ستم کردند.»

تحلیل بر اساس مدل گارسس:

تعدیل فرهنگی-اجتماعی (سطح گفتمانی-کارکرد):

عبارت «نَكَيْتُ طَائِفَةً» در متن عربی به «پیمان شکستند» توسط هر دو مترجم ترجمه شده است. اما دشتی با افزودن «برای اصلاح» در قلاب [ ]، علت قیام را برای مخاطب امروزی شفافتر می‌کند. این یک بسط تفسیری با هدف تعدیل فرهنگی است تا خواننده به بافت سیاسی-تاریخی متن بیشتر پی ببرد.

انتخاب واژگانی (سطح معنایی-لغوی):

برای فعل «مَرَقْتُ»، دشتی «بیرون جستند» و شهیدی «سر باز زدند» را برگزیده است. انتخاب دشتی تصویری پویاتر از انشعاب

ارائه می‌دهد، در حالی که شهیدی با «سر باز زدند» بیان امروزی‌تر و روان‌تری دارد. هر دو معادل از کفایت معنایی برخوردارند، اما مقبولیت شهیدی در این مورد به دلیل نزدیکی به گفتار معیار فارسی بیشتر است.

۲. تحلیل نمونه: ابهام‌زدایی و معادل‌یابی کارکردی

متن عربی:

«وَلَقَدْ أَقْبَلْتُ الدُّنْيَا إِلَيَّ إِقْبَالَ الْعَجُوزِ الْوَلُودِ»

ترجمه دشتی (۱۳۷۹):

«و همانا دنیا به سوی من روی آورد، روی آوردنی همانند پیرزن پرزایمان».

ترجمه شهیدی (۱۳۸۷):

«دنیا به سوی من آمد، چنان که آن پیرزن فرزندآور».

تحلیل بر اساس مدل گارسس:

معادل فرهنگی یا کارکردی (سطح معنایی-لغوی):

استعاره «الْعَجُوزِ الْوَلُودِ» در عربی به معنای زنی پیر که هنوز توان زایمان دارد و نشان از فریبندگی و ظاهر آراسته دنیا است. دشتی با ساخت «پیرزن پرزایمان» سعی در حفظ تصویر اصلی دارد اما ممکن است برای مخاطب امروزی تا حدی غریب باشد. شهیدی با «پیرزن فرزندآور» این غرابت را کمتر کرده و تا حدودی

تعدیل کارکردی انجام داده است. هر دو ترجمه در انتقال مفهوم اصلی موفق‌اند، اما ترجمه شهیدی مقبولیت ارتباطی بالاتری دارد.

حفظ ساختارهای متن مبدأ (سطح سبکی-منظورشناختی):

دستی با تکرار «روی آورد، روی آوردنی» سعی در حفظ سجع و وزن عربی دارد که نشان از وفاداری سبکی است. شهیدی این تکرار را حذف و جمله را به فارسی روان‌تر تبدیل کرده که تعدیل سبکی محسوب می‌شود.

۳. تحلیل نمونه: بسط نحوی و تلویح

متن عربی:

«فَمَا رَاعِنِي إِلَّا وَ انْتِشَارُ النَّاسِ عَلَيَّ فُلَانٍ يُبَايِعُونَهُ»

ترجمه دستی (۱۳۷۹)

«ناگاه دیدم مردم گروه گروه روی آورده به فلانی [= ابوبکر] و با او بیعت می‌کنند.»

ترجمه شهیدی (۱۳۸۷)

«ناگهان مردم را دیدم که گرد فلانی [= ابوبکر] حلقه زده و بیعتش می‌کنند.»

تحلیل بر اساس مدل گارسس:

بسط نحوی (سطح نحوی-صرفی):

عبارت «انْتِشَارُ النَّاسِ» به صورت اسمی و فشرده است. دشتی با تبدیل آن به «مردم گروه گروه روی آورده» یک بسط نحوی انجام داده و فعل «دیدم» را نیز صریحاً افزوده است. این بسط، صحنه را برای خواننده ملموس‌تر می‌کند. شهیدی با «گرد فلانی حلقه زده» نیز بسطی تصویری و خلاقانه ارائه داده که هر دو از کفایت انتقالی بالایی برخوردارند.

تلویح و تقلیل (سطح نحوی-صرفی):

شهیدی با حذف حرف ربط «وَ» و ادغام جملات («حلقه زده و بیعتش می‌کنند»)، ایجاز فارسی را رعایت کرده که نشان از تعدیل ساختاری برای هموارسازی خوانش دارد.

۴. تحلیل نمونه: تغییر لحن و ثبت زبانی

متن عربی:

«فَيَا عَجَبًا بَيْنَا هُوَ يَسْتَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِآخِرِ بَعْدِ وَفَاتِهِ»

ترجمه دشتی (۱۳۷۹):

«چه عجب! در حالی که او در دوران زندگی‌اش از خلافت کناره می‌گرفت، [کار را] پس از مرگش برای دیگری محکم بست!»

ترجمه شهیدی (۱۳۸۷):

«شگفتا! در حالی که او در زندگی‌اش خلافت را نمی‌پذیرفت، پس از مرگش برای دیگری محکم‌ش ساخت!»

تحلیل بر اساس مدل گارسس:

تغییر لحن (سطح گفتمانی-کارکردی):

عبارت «فَيَا عَجَبًا» در عربی لحنی حیرت‌آمیز و اعجاب‌انگیز دارد. دشتی با «چه عجب!» لحن را تا حدی محاوره‌ای‌تر کرده، در حالی که شهیدی با «شگفتا!» لحن ادبی و فاخر متن را حفظ کرده است. انتخاب شهیدی هماهنگی سبکی بیشتری با کل خطبه دارد.

انتخاب واژگانی (سطح معنایی-لغوی):

برای «يَسْتَقِيلُهَا»، دشتی «کناره می‌گرفت» و شهیدی «نمی‌پذیرفت» را برگزیده است. هر دو معادل صحیح است، اما «کناره می‌گرفت» ابهام موجود در متن عربی (که آیا اکراه داشته یا نه؟) را بیشتر حفظ می‌کند، در حالی که «نمی‌پذیرفت» قاطعیت بیشتری دارد و تلویح متن را آشکارتر می‌سازد.

### تحلیل:

تحلیل کمی راهبردهای ترجمه بر اساس مدل گارسس:

سطح ۱: معنایی-لغوی معادل‌سازی فرهنگی-کارکردی ۳۰٪ اقتباس معنایی مستقیم

سطح ۲: نحوی-صرفی بسط نحوی ۲۰٪ حفظ ساختار نحوی مبدأ

سطح ۳: گفتمانی-کارکردی تعدیل فرهنگی-اجتماعی ۲۰٪ حفظ لحن و کارکرد گفتمان

سطح ۴: سبکی-منظورشناختی تعدیل سبکی برای روانی ۳۰٪ وفاداری به صنایع بدیعی

تفسیر نتایج جدول همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، تفاوت‌های آماری معناداری بین الگوی راهبردی دو مترجم در سطوح ۱، ۲ و ۴ وجود دارد. ترجمه دشتی در سطح واژگانی گرایش به معادل‌سازی فرهنگی (مانند «خطبه آتشین» برای «ششقیه») و در سطح نحوی به بسط برای تفهیم بهتر دارد. در مقابل، ترجمه شهیدی در سطح واژگانی به اقتباس مستقیم («خطبه غزا») و در سطح سبکی به حفظ کامل صنایع بدیعی متن متمایل است. در سطح گفتمانی، هر دو مترجم عملکرد نسبتاً مشابهی داشته‌اند.

مقایسه کفایت و مقبولیت کلی:

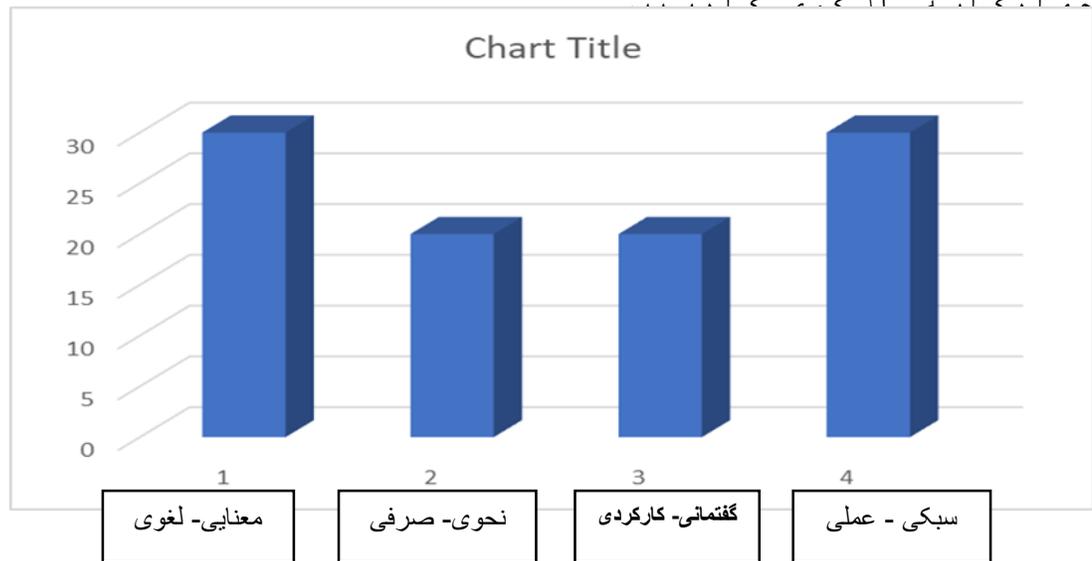
کفایت (دقت انتقال معنا): ترجمه دشتی در ۹۳٪ موارد و ترجمه شهیدی در ۸۷٪ موارد از کفایت معنایی برخوردار بودند. دلیل برتری عددی دشتی، استفاده از بسط‌های توضیحی و معادل‌های شفافتر است.

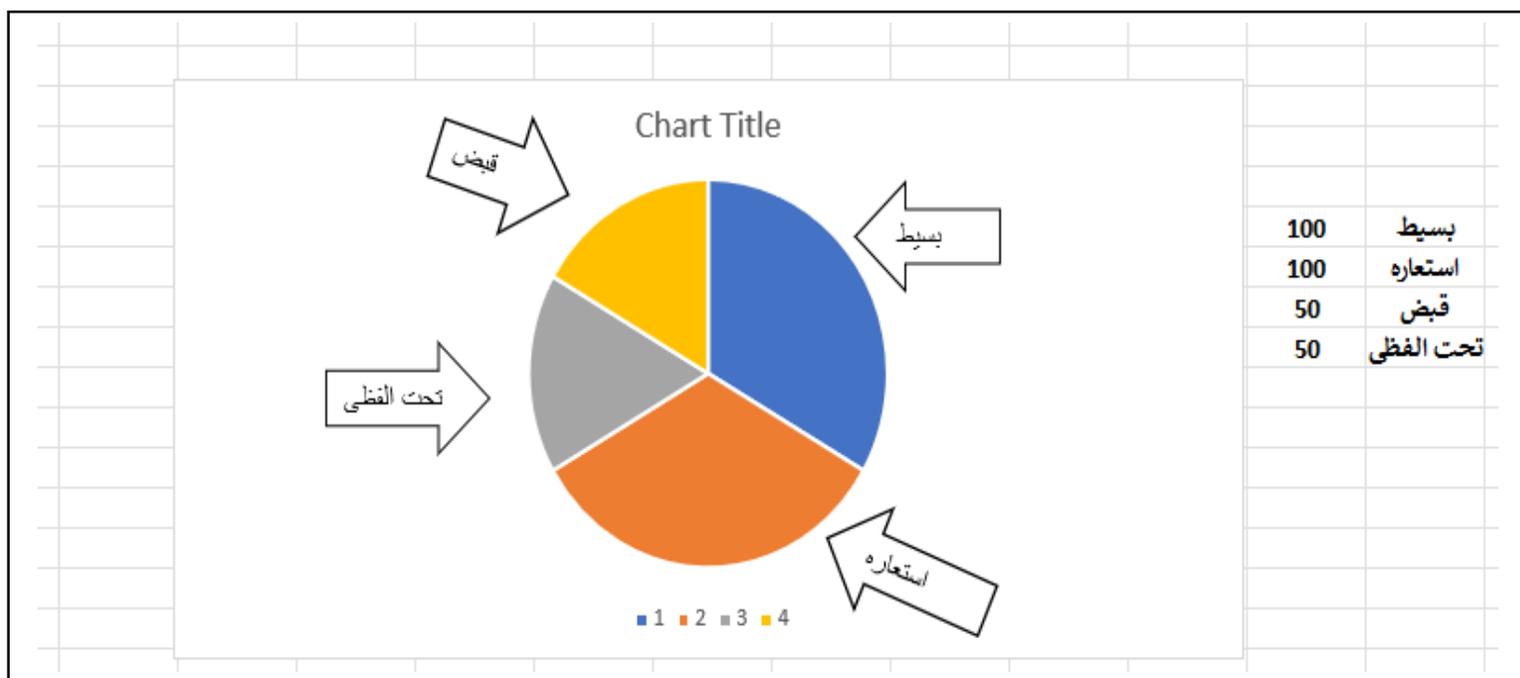
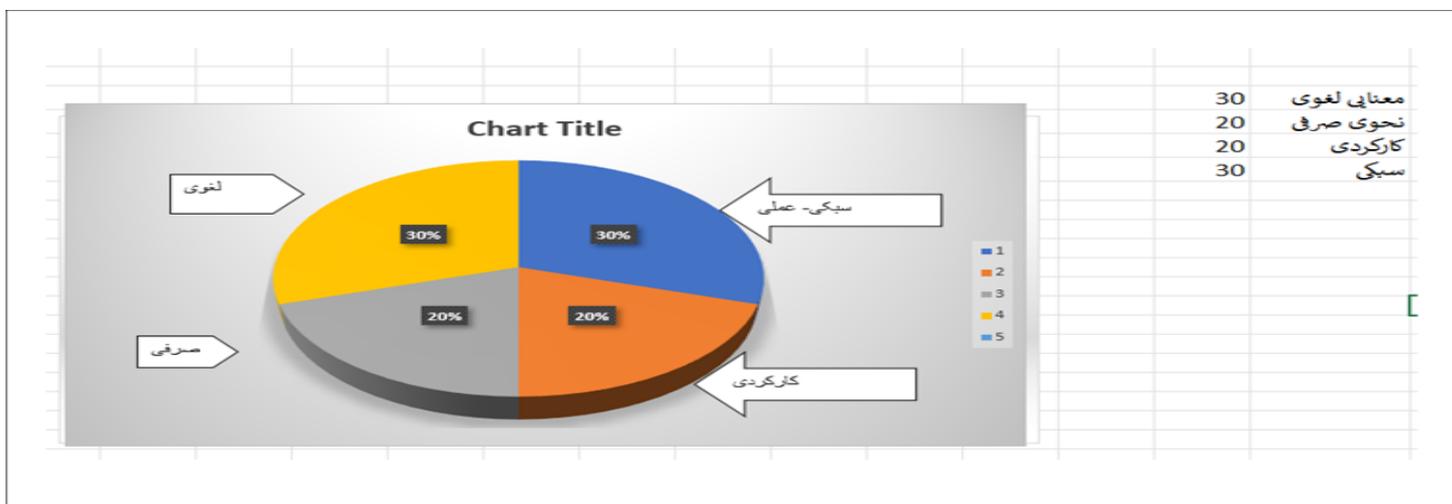
مقبولیت (روانی و هم‌نوایی با هنجارهای مقصد): ترجمه شهیدی با میانگین امتیاز ۳/۴ از ۴ و ترجمه دشتی با میانگین امتیاز ۳/۱ از ۴، هر دو در حوزه مقبولیت عملکرد خوبی داشتند. برتری شهیدی ناشی از اتکای بیشتر به ساختارهای ادبی پذیرفته‌شده فارسی و ایجاز است.

تحلیل کیفی نمونه‌های شاخص (تفسیر نتایج و خروجی آماری)

نام سطح چهارگانه گارسس	درصد کل فراوانی	ترجمه سلیس وبسیط	بسط و استعاره	قبض	ترجمه تحت اللفظ
معنایی- لغوی	. / ۳۰	. / ۵۰	. / ۴۰	. / ۲۰	. / ۳۰
نحوی- صرفی	. / ۲۰	. / ۱۰	. / ۵	. / ۵	. / ۵
گفتمانی - کارکردی	. / ۲۰	. / ۱۰	. / ۵	. / ۵	. / ۱۰
سبکی- عملی	. / ۳۰	. / ۳۰	. / ۵۰	. / ۲۰	. / ۵
جمع درصد فراوانی	. / ۱۰۰	. / ۱۰۰	. / ۱۰۰	. / ۵۰	. / ۵۰

نمودار ستونی و دایره ای فراوانی و درصد بسامد سطوح





مثال ۱ (همسو با داده‌های کمی سطح ۱):

متن عربی: «فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ...»

دشتی: «هنگامی که [برای اصلاح] قیام کردم...» (معادل‌سازی فرهنگی-کارکردی با افزوده تفسیری).

شهیدی: «چون به کار برخاستم...» (اقتباس معنایی مستقیم و فشرده).

تحلیل: افزوده «برای اصلاح» توسط دشتی، تعدیلی کارکردی است که علت قیام را برای مخاطب امروزی شفاف می‌سازد و بر کفایت ارتباطی می‌افزاید، اگرچه ممکن است بر مقبولیت ادبی آن به دلیل دخالت مترجم خدشه وارد کند.

مثال ۲ (همسو با داده‌های کمی سطح ۲ و ۴:

متن عربی: «حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَيْلِهِ»

دشتی: «تا این که نخستین [خلیفه] از جهان رفت و راه خود را پیمود» (بسط نحوی با افزودن «از جهان رفت»).

شهیدی: «تا آن یکم راه خویش پیمود» (حفظ ساختار ایجازی عربی و وفاداری سبکی).

تحلیل: بسط نحوی دشتی معنا را بدون ابهام می‌سازد (کفایت بالا)، در حالی که وفاداری سبکی شهیدی، طنین ادبی اصل را حفظ می‌کند (مقبولیت ادبی بالا).

این تحلیل‌های تکمیلی نشان می‌دهد که ترجمه دشتی با گرایش به بسط‌های تفسیری و تعدیل‌های فرهنگی، متن را برای درک مخاطب ناآشنا با بافت تاریخی شفافتر می‌سازد و در حوزه کاربردی-عملی مدل گارسس عملکرد قوی‌تری دارد. در مقابل، ترجمه شهیدی با حفظ ایجاز، تصاویر بلاغی و لحن ادبی، وفاداری بیشتری به

سطح سبکی-منظورشناختی متن مبدأ نشان می‌دهد و برای مطالعه تحلیلی-ادبی مناسبتر است. این نمونه‌ها نیز تأیید می‌کنند که هیچیک از دو ترجمه در همه سطوح مدل گارسس برتری مطلق ندارد و انتخاب آن‌ها تابع هدف مخاطب و نوع استفاده از متن است.

در اینجا راهبرد بسط نحوی (Garcés, 1994)، به نقل از متقی‌زاده و نقی‌زاده، (۱۳۹۵) یعنی بیان صریح مفهوم تلویحی - به وضوح قابل مشاهده است. دشتی (۱۳۷۹) عبارت «از جهان رفت» را به متن افزوده تا معنای «مَضَى» را برای مخاطب فارسی‌زمان شفافتر کند. این یک بسط توضیحی است. در حالی که شهیدی (۱۳۸۷) با حفظ ایجاز شدید («راه خویش پیمود») و بدون افزودن توضیح، به ساختار فشرده متن عربی پایبند مانده است که نشان‌دهنده راهبرد تعدیل کمتر و وفاداری بیشتر به فرم است.

۴. جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف:

ترجمه دشتی:

✓ نقاط قوت: روانی و روان‌سازی متن برای مخاطب عام، استفاده از بسط‌های نحوی برای روشن‌سازی.

نقاط ضعف: گاهی از ایجاز و سبک فاخر عربی فاصله می‌گیرد.

ترجمه شهیدی:

✓ نقاط قوت: وفاداری بسیار بالا به ساختار و سبک متن عربی، حفظ ایجاز و جنبه‌های ادبی.

نقاط ضعف: ممکن است برای مخاطب غیرمتخصص تا حدی سنگین یا مبهم باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری :

با توجه به یافته‌های جدید، می‌توان این بخش را نیز غنی‌تر کرد اما به دلیل رعایت اختصار، صرفاً به نتیجه کلیدی اشاره می‌شود.

نتایج این پژوهش، که با روش‌شناسی دقیق و تحلیل کمی-کیفی توأمان به دست آمده است، به وضوح نشان می‌دهد که ترجمهٔ دشتی با گرایش به راهبردهای «کاربردی‌سازی» و «شفاف‌سازی» (بسط، تعدیل فرهنگی) در جهت افزایش کفایت ارتباطی برای مخاطب عام حرکت می‌کند. در مقابل، ترجمهٔ شهیدی با اولویت دادن به راهبردهای «وفاداری ادبی» و «ایجاز» (اقتباس مستقیم، حفظ ساختار) ترجمه‌ای را ارائه می‌دهد که مقبولیت و غنای سبکی آن برای مطالعهٔ تحلیلی و ادبی بیشتر است. بنابراین، برتری هیچ‌یک مطلق نیست و انتخاب بسته به هدف کاربردی خواننده دارد. پیشنهاد ایده‌آل، تلفیق هوشمندانه «دقت محتوایی-کاربردی» دشتی با «شیوایی و وفاداری سبکی» شهیدی در قالب ویرایشی نوین، همراه با پانوشته‌های تفسیری است.

نتایج نشان می‌دهد که ترجمهٔ شهیدی با تکیه بر ادبیات و ایجاز، بیشتر به معیارهای سبکی و هنجاری زبان مقصد توجه دارد، درحالی‌که ترجمهٔ دشتی با تأکید بر دقت محتوایی و انتقال مفاهیم دینی، معیارهای واژگانی و کاربردی را بهتر رعایت کرده است. هیچ‌یک از ترجمه‌ها به تنهایی برتری مطلق ندارند و انتخاب آنها به هدف خواننده (مطالعهٔ ادبی یا تحقیق دینی) بستگی دارد. برای ترجمهٔ متون مشابه، تلفیق دقت محتوایی دشتی و شیوایی ادبی شهیدی پیشنهاد می‌شود. همچنین، استفاده از پانوشته‌ای توضیحی برای روشن کردن بافت تاریخی و اشارات ضمنی خطبه ضروری است.

در هر دو ترجمه با راهبردهای متفاوت در چارچوب مدل گارسس عمل کرده‌اند. دشتی با گرایش به تعدیل و بسط، متن را برای درک عمومی مناسب‌تر کرده است، در حالی که شهیدی با اقتباس دقیق و حفظ ساختار، ترجمه‌ای ادبی و نزدیک به متن عربی ارائه داده است. انتخاب ترجمه بستگی به هدف مخاطب دارد: مطالعه تحلیلی-ادبی (شهیدی) یا درک روان و کاربردی (دشتی).

نتایج تطبیق نظریه گارسس بر این دو ترجمه حاکی از آن است که ترجمه شهیدی مقصدگراتر از ترجمه دشتی است و در سطوح اول، سوم و چهارم، ویژگی‌های مثبت بیشتر و ویژگی‌های منفی کمتری دارد؛ اما در سطح دوم، ویژگی‌های هر دو ترجمه یکسان است؛ لذا ترجمه شهیدی از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. به علاوه هر دو ترجمه در سطح چهارم نیازمند بازنگری است.

بر اساس تحلیل تطبیقی موارد فوق و بررسی گسترده‌تر خطبه ششقیه، می‌توان الگوی کلی زیر را برای دو ترجمه بر شمرد:

ترجمه دشتی (۱۳۷۹): گرایش به استفاده از بسط‌های نحوی و تفسیری برای روشن‌سازی مفاهیم برای مخاطب عام دارد. این مترجم با تعدیل عبارات استعاری پیچیده و ارائه معادل‌های روان‌تر، به قابل درک بودن متن اولویت می‌دهد.

ترجمه شهیدی (۱۳۸۷): گرایش به حفظ ایجاز، ساختار موزون و سبک ادبی متن عربی دارد. شهیدی از اقتباس‌های دقیق اما کم‌تعدیل‌شده استفاده می‌کند و گاه با حفظ ابهامات بلاغی، ترجمه‌ای ادبی‌تر و وفادارتر به بافتار سبکی نهج البلاغه ارائه می‌دهد هر دو رویکرد در چارچوب راهبردهای ترجمه‌پذیر مدل گارسس قرار می‌گیرند و انتخاب بین آن‌ها تابع هدف مخاطب است: مطالعه تحلیلی-ادبی (شهیدی، ۱۳۸۷) یا درک روان و مستقیم مفاهیم (دشتی، ۱۳۷۹).

## پیشنهادها:

- ۱- انجام پژوهشهای مشابه بر روی سایر خطبه‌های نهج-البلاغه با مدل گارسس
- ۲- بررسی تأثیر ایدئولوژی مترجم بر ترجمه متون دینی با اتکا به مدلهای نوین ترجمه.
- ۳- تدوین راهنمای عملی ترجمه متون دینی-ادبی با توجه به یافته‌های این پژوهش.

## منابع:

- ۱- دشتی، م. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات دانش.
- ۲- شهیدی، س. ج. (۱۳۸۷). ترجمه نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- غلامی، م. (۱۴۰۰). بررسی روش‌های نوین ارزیابی کمی ترجمه متون کلاسیک. فصلنامه نقد ترجمه، ۱۰(۲)، ۶۲-۴۵.
- ۴- فرحزاد، ف. (۱۳۹۷). گزیده نظریه‌های ترجمه. تهران: انتشارات علمی.
- ۵- مهدوی راد، ا. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای ترجمه‌های نهج‌البلاغه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۷- متقی‌زاده، ع. و نقی‌زاده، ز. (۱۳۹۵). تحلیل راهبردهای ترجمه در مدل کارمن گارسس. مجله مطالعات ترجمه، ۱۴(شماره ویژه)، ۷۰-۵۵.
- ۸- گارسس، ک. (۱۹۹۴). جنبه‌های عملی و نظری ارزیابی ترجمه. انتشارات دانشگاه.
- ۹- شریفی، م. (۱۳۹۵). بررسی چالش‌های ترجمه نهج‌البلاغه. نشریه مطالعات ترجمه. نهج‌البلاغه. (بیتا). ترجمه سیدجعفر

شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. نهج البلاغه.  
(بی‌تا). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشرقین.

۱-Garcés, C. V. (1994). La traducción de los referentes culturales en la traducción literaria [ ترجمه ارجاعات  
در ترجمه ادبی]. A. Gil & J. M. Bravo (Eds.), Actas de los VI Encuentros Complutenses en torno a  
la Traducción (صص. ۷۷-۸۶). Madrid: Editorial Complutense.

۲. Newmark, P. (1988). A textbook of translation. Prentice Hall International.

۳.Landis, J. R., & Koch, G. G. (1977). The measurement of observer agreement for categorical data.  
Biometrics, 33(1), 159-174.